

تاریخ عالم آرای عباسی

در نگاهی به چاپ جدید آن

○ تاریخ عالم آرای عباسی
○ تألیف: اسکندربیک منشی
○ تصحیح: دکتر محمد اسماعیل رضوانی
○ ناشر: دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۷

○ دکتر محمدحسن رازنهان
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

مقدمه

درباره ادبیات ایران در دوره صفوی، به ویژه آن بخش که به معنی خاص ادب (نظم و نثر) این دوره تلقی می‌گردد، هنوز راه بحث و گفت‌وگو گشوده است و انشاء حکم واحد در این موضوع با مقاومت‌هایی روبرو بوده است. اما این مسأله در مورد بخشی از ادبیات یعنی ادبیات تاریخی این روزگار کمتر قابل تعمیم است. تاریخ‌نگاری (احیای تاریخی) دوران حاکمیت سلسله صفوی از تنوع و گستردگی خاصی برخوردار است و نسبت به آثار گذشته به لحاظ تعداد شیوه تاریخ‌نگاری و قلمروهای مورد بررسی تغییر قابل توجهی را نشان می‌دهد. در این دوره گذشته از منابعی که توسط وقایع‌نگاران صفوی به رشته نگارش درآمده سفرنامه‌های زیادی از سیاحان و نمایندگان سیاسی و مذهبی دول اروپایی نیز بجای مانده که درخبر بررسی و تأمل است.

همچنین منابع تاریخی داخلی با نام‌گذاری‌هایی نظیر «جهانگشا»، «عالم آرا»، «روزنامه»، «قصص» و «دستور»، «فوائد»، «کلمه» و «حسن» (برگزیده) و عناوین دیگر به رشته نگارش درآمده است که انتخاب این نام‌ها بعضاً نشانه اهتمام مورخان نسبت به قلمرو تاریخی موردعلاقه خودشان است. از میان این گونه آثار منابعی که نام عالم آرا بر آنان نهاده‌اند از نظر محتوی و شمول مباحث تاریخی به وقایع‌نگاری دوران حاکمیت یکی از سلاطین صفوی اختصاص یافته است. از میان این آثار و به عنوان برجسته‌ترین نمونه از این نوع، می‌توان از کتاب **تاریخ عالم آرای عباسی** یاد کرد.^۱

۱- معرفی نویسنده و کتاب او:
اسکندربیک که به سبب اشتغال به مشیگری، به اسکندربیک منشی شهرت یافته است^۲ در سال ۹۶۸هـ ق یعنی دوران حکومت شاه تهماسب اول تولد یافت و به سال ۱۰۲۳ هـ ق، دوران شاه صفی، درگذشت. هرچند به نسبت ترکمان که شناسنده تعلق وی به ایل

ترکمان است در مقدمه کتاب توسط وی اشاره نشده است ولی به دلایل نامعلوم، این عنوان رواج یافته است به گونه‌ای که وی را با عنوان اسکندربیک ترکمان نیز می‌شناسند.^۳
براساس مطالبی که در مقدمه کتاب توسط اسکندربیک اشاره شد، وی در آغاز جوانی به کتب علوم رایج پرداخت، اما به انفرادی دوستان خود به علم سیاق روی آورد و مدتی به سیاق مشغول گشته و در این فن به مراتب کمال دست یافت. اما این «شغل خسیس» را کنار نهاد و بانوجه به پهلوی که از علم انشاء داشت در سلک مشایخ درگاه درآمد و در حدود سنوات ۹۹۲ و ۹۹۳ هـ. در عهد حکومت سلطان محمدخاندان به خدمت دیوان منصوب گشت و در سال ۹۹۵ در سن ۲۶ سالگی به خدمت سپاهگیری در خطه عراق مأمور شد و مجدداً در آغاز حکومت شاه عباس در سال ۱۰۰۱ هـ. در سلک مشایخ در دارالانشاء و ملازمت دائم و سمت منشی خاصه شاه عباس درآمد.

در این دوران هرگاه فرصتی می‌جست به مطالعه کتب سیر و اخبار پرداخته و سرانجام به تسویه «حوال گرامی» شاه عباس تصمیم گرفت. وی به سال ۱۰۲۵هـ تاریخ عالم آرای عباسی را به کتابت درآورد. با مرگ شاه عباس اول در سال ۱۰۲۸ هـ. بعد از «هراسم و تظلم و تحسین مشفقانه» (نظائر در حضور شاه صفی) به دستور وی «وقایع زمان... این پادشاه والاچه... به دستور در سلک تحریر درآورده نگاشته قلم بهترین رقم گردانید.» و بدین ترتیب دومین اثر خود یعنی **ذیل عالم آرای عباسی** را پدید آورد که در اثر وفاتش ناتمام ماند. بعدها **محمد موسف**، از وقایع‌نگاران دوران شاه صفی وقایع را از سال ۱۰۳۳ هـ. دنبال و کار وی را تکمیل نمود.

این اثر در سال ۱۳۱۷ توسط مرحوم احمد سهیلی خواستاری تصحیح و منتشر گردید. علاوه بر عالم آرا،

مجموعه‌ای از مکاتیب و منشآت دیوانی به قلم اسکندربیک و تحت عنوان کتاب **ترسل من منشآت خواجه اسکندربیک منشی** در کتابخانه لیدن هلند، به شرحی که استوری می‌نویسد، موجود است. این مجموعه تاکنون به صورت نسخه خطی باقی مانده است.

۲. محتویات کتاب:

تاریخ عالم آرای عباسی را می‌توان یک تاریخ دودمانی وقایع نگارشی دانست که براساس سال شماری گزارش سلاهای متوالی حکومت شاه عباس در سه جلد از سوی مؤلف تنظیم و تدوین شده است. جلد نخست با بیان سیر مختصر از ذکر آثار، اجداد و نسب صفویان شروع و با ذکر مهم‌ترین حوادث سال‌های حکومت شاه اسماعیلی تهماسب، اسماعیل دوم و سلطان محمدخاندان ادامه می‌یابد. جلد دوم به حوادث دوران حکومت شاه عباس (قرن اول حکومت = ۲۵ سال اول حکومت و از قرن می‌نماید) اختصاص یافته و در جلد سوم به وقایع‌نگاری باقی‌مانده دوران حکومت شاه عباس اول پرداخته شده است. اسکندربیک هر یک از جلدهای کتاب خود را با مقدمه‌ای آغاز می‌کند که از نظر محتوا و مضمون مشابه یکدیگر است و به توصیف ملاحظه‌آمیزی شاه عباس صفوی با برشمردن القاب گوناگون برای او، تعارف و شکسته نفسی درباره «سپهبد» خود می‌پردازد. وی با معرفی اجمالی مشاهیر متوفی در هر سال و همچنین ذکر طبقه شاعر، مطربان و اهل نغمه، نقاشان، خوشنویسان و صاحب‌نمیان نظامی و اداری در پایان جلد اول و سوم علاقه خود را به تاریخ اجتماعی و فرهنگی و تحولات ساختاری دیوانسالاری نشان می‌دهد.

از کتاب تاریخ عالم آرای عباسی طی دهه‌های گذشته چاپ‌های چندی به بازار نشر عرضه شده است. نخستین آن توسط میرزا محمود کتابفروش

تاریخ عالم آرای عباسی

جلد اول

تاریخ ایران - سلسله ... - سلطان مهدوی
تاریخ عباسی - سلسله ... - شاه عباس اول

ناشر: اسفندیاری و همکاران

جلد دوم

تاریخ عباسی - سلسله ... - شاه عباس اول



نزدیکترین تصویر از شاه عباس اول صفوی

تاریخ عالم آرای عباسی

جلد سوم

تاریخ ایران - سلسله ... - شاه عباس اول
تاریخ عباسی - سلسله ... - شاه عباس اول

ناشر: اسفندیاری و همکاران

جلد چهارم

تاریخ عباسی - سلسله ... - شاه عباس اول

که خود در معرکه حضور داشته‌اند. چنین به نظر می‌رسد که با آوردن عبارتی ماهیت روایت را که تا چه حد مورد اعتماد است، روشن ساخته است. (استماع نمودن - تقریر کردن - تصدیق کردن، نواری) (۳) در جلد اول و در بیان حالات شیخ صفی و خاندان او ناچار به کتاب‌ها و نوشته‌های گذشتگان مراجعه کرده و همجا این نکته را تذکر داده است.^۱

ب: تاریخ عالم آرا یک تاریخ جهانی است. وی تاریخچه هر قوم و ملتی را که در سلطنت صفویه به خصوص شاه‌عباس ارتباطی با ایران پیدا کرده‌اند به توجیختار و گاهی به تفصیل تحریر کرده است.

ج: بکارگیری تقویم شمسی: تاریخ عالم آرا تنها امتیازی که دارد این است که سال شمسی را اساس قرار داده است. تأسف در این است که این روش را دقیقاً تعقیب نکرده است. مثلاً در سال ۹۸۹ هـ. ق که که سال جلوس شاه عباس در خراسان است تا سال ۹۹۶ هـ. ق که جلوس وی بر تخت سلطنت است سال‌ها را تعیین نکرده و حوادث این هفت سال را پشت سرهم یک جا آورده است.

۴. مطالب کتاب تاریخ عالم آرای عباسی را با رهیافت‌های قدردان صورت‌نگاری نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. در این نوع نقد که معیارهایی نظیر استحجام، هماهنگی و درخشش موردتوجه قرار می‌گیرد به خوبی و به میزان قابل توجهی در این متن قابل مشاهده است. کتاب از یک کلیت در سایه وحدتی موضوعی برخوردار است. مؤلف در بیان هر واقعه قابل به آغاز، میانه و پایان است. برای نمونه مطالبی که درباره جلالین بیان می‌دارد علی‌رغم آنکه گوشه‌هایی از حوادث مربوط به این گروه را در صفحات پیشین متذکر گردیده بر طرح موضوع به صورت مستقل و با رعایت طرح مسایل مقدماتی، میانی و پایانی توجه دارد. همینطور در شرح وقایع فتح بغداد و بسیاری جاهای دیگر.^۲

موضوع هماهنگی نیز به دلیل رعایت یکپارچگی

تاریخ عالم آرای عباسی

جلد دوم
تاریخ ایران در پانزده ساله شاه عباس اول صفوی - اسفندیاری و همکاران
اول عالم آرای عباسی

ناشر:

اسفندیاری و همکاران

جلد سوم

تاریخ عباسی - سلسله ... - شاه عباس اول

و بی‌نظیری در اختیار محققان قرار گرفته بود ولی به دلیل تعداد انبوه بعضی از اعلام در نسخ تاریخی که در صفحات متعدد درج می‌گردد، آدرس و مشخصات کامل تمام اعلام اعم از اشخاص، مکان‌ها و... میسر نبوده و لذا جهت جستجوی اطلاعات مربوط به اعلام کتاب نراسایی‌هایی پدید می‌آید. اما چاپ اخیر در هر سه جلد دارای فهرست اعلام است و از این جهت کمک بزرگی به جستجوی اطلاعات در متن می‌نماید.

۳. نقد متن شناختی مرحوم رضوانی که در آغاز جلد اول و در ۳۶ صفحه آمده است نشاندهنده دقت نظر ایشان به امتیازات کتاب است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف: اعتبار تاریخ عالم آرا و مستندات آن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. ۱) اگر خودش در واقعه‌ای حاضر و ناظر بوده یادآوری کرده است (۲) اگر خودش در واقعه‌ای حضور نداشته ناچار به افرادی رجوع کرده

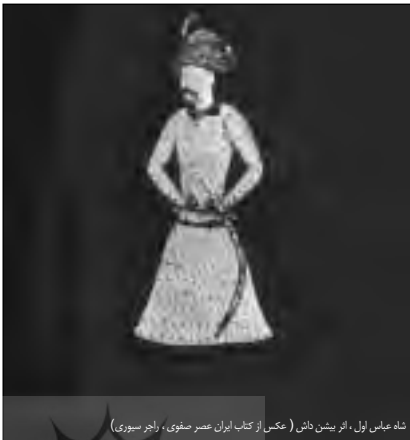
خوانستاری در سال ۱۲۸۰ ش و به صورت سنگی است. بار دیگر در سال ۱۳۲۵ هـ. ش موسسه مطبوعاتی امیرکبیر مبادرت به چاپ جدیدی از کتاب نمود که تهیه فهرست اعلام کتاب با توجه به توضیحاتی که محقق محترم آقای ایرج افشار در مقدمه کتاب آورده‌اند به ایشان واگذار گردید. این چاپ بار دیگر در سال ۱۳۵۰ هـ.ش تجدید و به بازار نشر عرضه گردید.

حلی دهه شصت و در سال ۱۳۶۴ در آشفته بازار کتابه چاپی به صورت افست از روی نسخه سنگی پیشین توسط انتشارات طلوع و سرویس منتشر گشت و سرانجام در سال ۱۳۷۷ چاپ مرحوم دکتر اسماعیل رضوانی به علاقه‌مندان عرضه گردید. تصحیح این اثر که سال‌ها پیش از سوی انتشارات دنیای کتاب به مرحوم استاد رضوانی پیشنهاد شده بود با اهتمام ایشان در سه جلد و براساس نسخه چاپ سنگی و مقابله با نسخ دیگر مانند نسخه آقایان دکتر علی‌اصغر مهدوی و علی‌اصغر حکمت انجام گردید. البته این چاپ تنها به ذکر مهترین اختلافات نسخه‌های موجود بسنده کرده و به این ترتیب از ذکر تمام اختلافات موجود در نسخه‌ها فرودگذار نموده است.

۳. نقد بررسی:

۱. قبل از هرچیز باید گفت چاپ اخیر، اولین تصحیح نسبتاً انتقادی از کتاب است که سالها بعد از چاپ اول به همت استاد رضوانی انجام گردید. این اقدام با توجه به شرایط جسمانی ایشان در سال‌های پایان زندگی از هرچیت قابل تحسین است زیرا چاپ‌های گذشته، بدون مقابله نسخ مختلف و فقط با تصحیح بعضی از اعلام کتاب در فهرست اعلام توسط آقای ایرج افشار در اختیار علاقه‌مندان به این کتاب قرار گرفته بود.

۲. استخراج فهرست اعلام برای هر یک از جلدهای کتاب نیز از مزیت‌های دیگر چاپ اخیر است. گرچه در چاپ پیشین نیز فهرست اعلام با دقت فراوان



شاه عباس اول، اثر ابن شهر آشوب (عکس از کتاب ایران عصر صفوی، راجر سیوری)

و تناسب موردتوجه اسکندریک قرار داشته است. توضیحی که درباره اجزاء یک موضوع کلی تاریخی ارائه می‌کند از نظر حجم مطالب تناسبی قابل توجه دارد و در اغلب موارد خواننده را نسبت به این موضوعات از آگاهی‌های بسنده و کافی برخوردار می‌کند. همچنین درخشش متن بر اثر ارائه نوتایی و قلبیت وی در طرح موضوعات مختلف قابل دریافت است. با تأمل در اثر می‌توان دریافت که مؤلف قلبیت خود را در ارائه چنین موضوعی به منصفه ظهور می‌رساند.

۵- ویژگی دیگر تاریخ عالم آرا پیوند باز مطالب کتاب و رویدادهای تاریخی عصر او است. به عبارت دیگر نوشته وی یزبان دقیق روزگار و زندگی او است. آنچه وی از رقبایها و دستمندی ایلان موجود در روزگار خود ارائه می‌دهد به خوبی نشانگر تصویر یک جامعه ایلی است و آنچه براحوال مردم آن روزگار از قیل این جریانها گذشته است.

۶- اشاره به بعضی از نارسایی‌ها و کاستی‌ها به منظور برطرف ساختن آنها در چاپ‌های بعدی ضرورت دارد:

اعلام‌نویسان چاپ جدید در درج اعلام مکان، اشخاص، مناسبت و مشاغل دچار لغزش‌های چندی شده‌اند که برای نمونه به آنها اشاره می‌شود:

هیجا (اسم معنی)، آنچه قویولو (نام تیره‌ای از ایل) نلیم سلطان (نام شخص)

اعلام مناسبت و مشاغل: افرق (خیمه‌هایی که وسایل سنگین و زنان و فرزندان را در آن می‌گذاشتند)

برائتر (چاخ راست سیاه) چوآفرا (چاخ چپ سیاه) احتشامات (اسم جمع شخم)

اعلام دلویاف: انتقال (جمع نقل)، اوانی (جمع اینده، ظرفها) احوال الحد و...

مفحه‌بندی کتاب و رعایت علامات سجاوندی: گذشته از بی‌نظمی‌هایی که در اندازه فواصل مطبوع کتاب دیده می‌شود، ناشر محترم عنایت چندانی به اصول نگارش زبان معاصر، رعایت علامات و نشانه‌های نگارشی، تنظیم صفحات کتاب به پاراگراف‌های مناسب نداشته و تقریباً در تمام سه جلد در این امور غفلت شده است. این موضوع به ویژه در مقایسه با چاپ آقای ایرج افشار کاملاً مشهود است.

چگونگی تصحیح: در این کتاب هرچند در امر تصحیح توجه قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود، اما می‌توان گفت علاوه بر اغلاط ناپایی به تصحیح کامل یعنی مقایله و ذکر اختلاف نسخ در تمام صفحات کمتر توجه شده است. برای نمونه فقط به برخی از اغلاط ناپایی جلد سوم کتاب اشاره می‌رود:

ص ۱۵۱۷ ص، ۱۹ و جاهای دیگر فسق - فسق رجوع کنید به نظام ایالات در دوره صفویه صفحات ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴.

ص ۱۵۲۷ ص، ۸ شهره‌زور - شهره زول (شهرزور) شرفنامه بدلیسی، ص ۵۲۸.

ص ۱۵۳۳ ص، ۲ فاروقوم - فاروقوم ص ۱۵۴۹ ص، ۱۲ مهور - مهپور ص ۱۵۵۰ سطر ۱۷ حفظ آلهی - جمله روشن نیست

ص ۱۵۴۳ سطر ۱۹ آت متین خاصه - آت‌متین خاصه شریفه

ص ۱۵۴۳ سطر ۱۰ سادات مراغشه - سادات مراغشه

ص ۱۶۰۳ سطر ۱۱ اراقمه - لراقمه

ص ۱۶۱۸ سطر ۹ عیان - عیان

ص ۱۶۲۰ سطر ۳ سفیر - سفیر

ص ۱۶۸۱ سطر ۴ الوش - الوس

ص ۱۷۱۶ سطر ۱۱ بیلان - بیلان

ص ۱۸۰۶ سطر ۱۶ امراه - امراه

پی‌نوشت‌ها:

۱. سیوری، راجر: ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیز، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۰۱-۲۱۲.

۲. منشی اسکندریک: تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۰، ص ۳ مقدمه.

وی در بیان علاقه خود به تاریخ معاصر چنین می‌نویسد: «خاصه احوالی که قریب المهد باشد، رغبت تمام هست و عرصه سخنوران فراخی دارد.»

۳. همان منبع، ص یک.

۴. در پشت جلد چاپ افشار وی را اسکندریک ترکمان معرفی می‌کند و در جاهای دیگر.

۵. همان منبع، ص یک مقدمه.

۶. اسکندریک منشی و محمد یوسف: ذیل تاریخ عالم‌آرای عباسی، احمد سهیلی خوئاری، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۱۷، ص ۴.

۷. اسکندریک منشی، صفحه یک مقدمه مصحح.

۸. همان منبع، ص ۵۳.

۹. اسکندریک منشی، پیشین، تصحیح مرحوم رضوانی، مقدمه مصحح: هم‌گونه که ایشان گفته‌اند تنها به ذکر مهم‌ترین اختلافات نسخه‌های موجود بسنده شده است. همچنین به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت مطالب مطروحه در کتاب ضرورت داشت تصحیح محترم شرح و توضیحات و تعلیقاتی بر متن تصحیح شده بیفزاید.

۱۰. همان منبع، صفحات ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۹، ۱۵۵۱.

۱۱. همان منبع، صفحات ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۶، ۱۱۹.

۱۲. همان منبع، صفحات ۲۸، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۸۰، ۱۸۲

وی در صفحه ۴ می‌نویسد: «آنچه بر آن اطلاع نداشتیم ضروره به اقوال ناقلا اعتماد نمودیم به تکلف متشابه به رشته تحریر کنیم.»

۱۳. همان منبع، چاپ افشار، برای موضوع جلالین صفحات ۳۶۵-۳۷۷ و بیان فتح بغداد صفحات ۱۰۳-۱۰۵-۱۰۸.

۱۴. همان منبع، ص ۴۶۱ ذکر عسبان و طغیان لیلانیا، ص ۵۴۴ آغاز داستان فتح خراسان، ص ۲۸۶ ذکر کشته شدن میرزا سلمان، ص ۶۶۰ ذکر آمدن آرون احمد

دکتر فضلیای گرمستان و شیروان، ص ۶۹۸ ذکر طغیان محبوسان قلعه قیقهه، ص ۸۸۹ ذکر استیلاي اکراد برآونست بر سر قلعه دمدم، ص ۹۷۰ گفتار در فتح و تسخیر

مملکت پهجت فزای قندهار، و بسیاری جاهای دیگر.